

(خود کوزه و خود کوزه گر و خود گل کوزه)

این کوزه گران پیر
مخمور عشق سرمایه
با دستهای آغشته با خون هزاران بیگناه
نشسته اند در سوگ
آزادی بیان را
قاتلان آزادی بیان
پیش قراولان کشتار و خون
در برج های عاج سرمایه لمیده
با چشم بند های سیاه
تا نبینند حقایق را
و با عصای شعبده خود
میبندند چشمان خسته ی ملت ها را
تا ننگرند به خونین دستهایشان
که تا آرنج سرخ است
با خون هزاران شارلی
و آزادی
و بیان
مقفل در پنجه های این دژخیمان
آزادی ها
جهان بپا خیزد و بگشاید دیده گان را آهای مردم
بنگرید این شعبده گران تاریخ را
باز با چه شعبده ای
سیراب خواهند کرد
عتش سیری ناپذیر خود را
از خون بیگناهان
و عرق جبین زحمتکشان
باز خون مردمان را
با مارش های سیاه خود
پا مال خواهند کرد
پا مال خواهند کرد
پامال خواهند کرد
هشیار مردمان
باز حقه ای در کار است

این خفاشان خونین منقار
باز در تلاش شکار
من و تو اند
سوما کاویانی
۱۱/ ۱/ ۲۰۱۵